

مینا احدی: نوید افکاری را آزاد کنید



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۸۵

جمعه ۲۱ شهریور ۱۳۹۹، ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۰

صفحه ۴

حکومت "ویرانگر انسانیت" باید در جهان منزوی شود

متن مصاحبه خلیل کیوان با حمید تقوایی صفحه ۳

در مورد احکام اعدام و زندان علیه برادران افکاری

گفتگو با مینا احدی صفحه ۴

اعتصاب نفت: دستاوردها و کشاکش ها

شهلا دانشفر صفحه ۵

آموزش و پرورش شاد و انسانی حق همه کودکان است!

سیامک بهاری صفحه ۶

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران

درباره کارزار "من هم" در ایران صفحه ۷

حذف عکس دختر بچه ها تعرضی شنیع به کودکان است

و باید با تعرض همه جامعه مواجه شود

اصغر کریمی صفحه ۸

مدیای اجتماعی

درباره عاشورای دولتی در تورنتو

صفحه ۷

اطلاعیه ها

۱- سرکوب خیزش آبان ۹۸ جنایت علیه بشریت است

جهان در محکوم کردن جمهوری اسلامی تعجیل کند!

صفحه ۱۳

۲- اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه ادامه دارد

صفحه ۱۲

۳- سی و پنجمین روز اعتصاب کارگران صنایع نفت

و پتروشیمی و نیروگاه های برق

صفحه ۱۴

کاظم نیکخواه

جمهوری اسلامی ننگ

جامعه بشری است!

گزارش اخیر عفو بین المللی که روز ۲ سپتامبر امسال یعنی هفته پیش منتشر شد حقایق تکان دهنده ای از جنایات حکومت علیه دستگیر شدگان خیزش آبان ۹۸ و کلا زندانیان سیاسی را بر ملا میکند. این گزارش در سطح دنیا انعکاس وسیعی داشته است و حکومت اسلامی را زیر فشار سنگینی گذاشته است. این گزارش از قتل صدها نفر از معترضین با شلیک مستقیم، از دستگیری هزاران نفر و انواع شکنجه هایی که برای بشر قابل تصور باشد علیه دستگیر شدگان سخن میگوید. و بالاخره از اعترافات اجباری و احکام سنگین زندان و حتی اعدام. برای ما مردم که دیو خبیث اسلامی حاکم بر ایران را خوب میشناسیم شاید این گزارش اطلاعات چندان تازه ای در بر نداشته باشد. نکته مهم اینست که دنیا دارد به حرف ما، به گزارشات ما، به افشاگریهای ما مردم علیه حکومت بازتاب نشان میدهد.

این گزارش فشار سنگینی را روی حکومت گذاشته و میگذارد و این نتیجه کار ما مردم است. نتیجه افشاگریهای زنان و دختران شجاعی نظیر آتنا دائمی و گلرخ ایرایی و سپیده قلیان است که بارها علیرغم تهدیدات و زندان و فشارها لب گشودند و از جنایات حکومت با جسارت سخن گفتند. نتیجه بلند شدن صدای زندانیان سیاسی علیه بی عدالتی ها و ستمگریها و توحش حکومت از درون زندانهاست. نتیجه اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه و کارگران نفت و اسماعیل بخشی است که توجه دنیا را به ایران تحت حکومت اسلامی بیشتر جلب کرده است. نتیجه کار ما یعنی آن احزاب سیاسی است که پیگیرانه صدای کارگران و مردم ایران را به گوش دنیا رسانده ایم و میرسانیم. نتیجه... جمهوری اسلامی براستی ادامه در صفحه ۲

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

جمهوری اسلامی ننگ جامعه... کاظم نیکخواه



لکه ننگی بر تاریخ کل بشریت است. قوانینش، زندانهایش، سیستمش، سرانش، سنتهایش، مذهبش هیچ چیزش با دنیای متمدن بشری سازگار نیست. این دیو خبیث باید از صحنه جهان تماما جارو شود و جارو خواهد شد. نه فقط در ایران، بلکه در لبنان و عراق نیز آزادیخواهان و مردم این کشورها علیه دخالت‌های این حکومت در زندگیشان دارند در صفوف میلیونی اعتراض میکنند. زیرا با گوشت و پوست خود لمس میکنند که حضور این حکومت خبیث در این کشورها عامل اصلی بدبختی و فلاکت مردم است. در این کشورها نیز جمهوری اسلامی از تمام نیروهای قومی و مذهبی موجود عقب مانده تر و جنایتکارتر و توطئه گتر است.

ابزارها و شیوه‌ها و توطئه‌هایی که این حکومت علیه مردم بکار میگیرد براسستی از بدترین‌های دوره توحش بشر است. بیرحمانه چپاول میکنند، بیرحمانه جنایت میکنند و بیرحمانه عقب ماندگیها را به مردم تحمیل میکنند.

یک نکته را اما ما مردم از یاد نبرده ایم و به امثال عفو بین المللی باید مدام یادآور شویم. این حکومت را همین دولتهای دموکراتیک و سرمایه داری و "متمدن" غرب برای جلوگیری از قدرت گیری کارگر و چپ و شوراها در سال ۵۷ به مردم ایران تحمیل کردند. همین بی بی سی و رادیوهای فارسی زبان غربی مدتها یک ریز به بلندگوی خمینی و دار و دسته عقب مانده و اسلامیش تبدیل شدند و برای خزعبلاتش تبلیغ کردند. این رسانه‌ها مدتها نیز با هدف حفظ همین حکومت کثیف به بلندگوی باند رفسنجانی تبدیل شدند و بعد هم خاتمی و دوم خردادیها را فعالانه باد زدند و تبلیغ کردند. اما کارشان نگرفت. الان با بلند شدن بوی تعفن و مرگ حکومت اسلامی، روی جلو کشیدن بقایای حکومت پهلوی متمرکز شده اند و تلاش میکنند سیستم کپک زده و از دور خارج شده سلطنت و شاه را به مردم تحمیل کنند. یک نکته را نباید فراموش کرد. اگر سال ۵۷ زمینه روی کار آمدن اسلامی‌ها در میان خود مردم ایران وجود نداشت نمیتوانستند این توطئه کثیف را عملی کنند. برای جلوگیری از توطئه‌های بعدی نیز باید این نوع عقب ماندگی‌ها و زمینه‌هایی که میخواهند به کمک آنها انتظارات مردم را پایین بیاورند و خواسته‌هایشان را عقب بکشند را از بین ببریم.

الان روی آن بخشهای مستاصل و نا امید مردم حساب باز کرده اند که نگاهشان به گذشته و زمان پهلوی برگشته است. یک خاصیت جهنم جمهوری اسلامی همین بوده است که عده ای حسرت گورستان آریامهری را میخورند. اما فکر میکنم اکثریت این بخش از مردم قطعاً با باز شدن هرچه بیشتر افق سرنگونی و آینده روشن بعد از حکومت اسلامی، از عقب گرد خود روی بر خواهند گرداند و شرمزده خواهند شد. دوره کنونی دوره ۵۷ نیست که بی بی سی و امثالهم انحصار خبری و رسانه‌ای داشتند. ما این بار میتوانیم توطئه‌گرها را با شکست و ناکامی مواجه کنیم. امروز اینترنت و رسانه‌های بسیار و متعدد در اختیار داریم، تجربه و حزب و سیاست روشن داریم و میتوانیم با هوشیاری مانع توطئه‌گرها شویم.

نباید از هیچکس قبول کرد که مردم از اداره جامعه ناتوانند. نباید از هیچکس قبول کرد که مردم گله‌اند و آقا بالا سر و شاه و خلیفه و ولی فقیه میخواهند. نباید قبول کرد که مردم ایران سزاوار دیکتاتوری هستند و اگر دیکتاتورها بر سرشان حاکم نباشند اوضاع بهم میریزد و غیرقابل کنترل و

ناجور میشود. مگر بدتر و بهم ریخته تر و ناجور تر از این که شاهدیم و قبلاً شاهد بوده ایم ممکن است؟ همین‌ها که بعنوان کارشناس و سیاستمدار این خزعبلات را تبلیغ میکنند و میکردند، آلترناتیوی که ارائه داده اند حکومت توحش اسلامی است. و قبل از آن نیز راه حلشان تحمیل گورستان آریامهری بوده است. امروز هم پاسخی که میدهند یک دیکتاتوری سلطنتی یعنی سیستم و سنت عقب مانده حاکمین دوران برده داری است. پاسخی که میدهند حفظ مذهب و آخوند و سرمایه داری چپاولگر است. ما مردم باید قاطعانه به همه اینها نه بگوییم و بگوییم: دیگر

بس است! دیگر قبول نمیکنیم که یک دیکتاتور و یک سیستم چپاولگر را بر سر ما حاکم کنند. جمهوری اسلامی را با تمام سیاستها و سنتها و دم و دستگاشش بدون یک ذره تخفیف به زیر خواهیم کشید و جامعه را خود با دستهای خود سازمان میدهیم. این جواب و پاسخ ما به اوضاع کنونی است. زیرا میدانیم که دوره دیکتاتورها و حکام خودکامه و خلیفه و شاه و شیخ و ولی فقیه و حکومت‌های مذهبی و اسلامی قرن‌هاست که گذشته است. دوره چپاولگری هم گذشته است. ما آدمیم. جامعه متعلق به ماست. آنرا بادستهای خویش به شیوه آزاد و انسانی میسازیم.*

سرنگون باد حکومت چپاول و جنایت اسلامی

DOWN WITH THE ISLAMIC REGIME OF IRAN

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

**برای آشنایی، ارسال خبر، گزارش،
همکاری و عضویت
در حزب کمونیست کارگری
میتوانید با آدرس‌های زیر تماس بگیرید:**

سایت حزب: www.wpiran.org

واتس‌آپ: +۴۴ ۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

تلگرام: @wpi_hkki

پیامگیر تلگرام: @wpi_tamas

اینستاگرام: wpi91

فیسبوک: www.facebook.com/wpiran



حکومت اسلامی سرنگون سرنگون

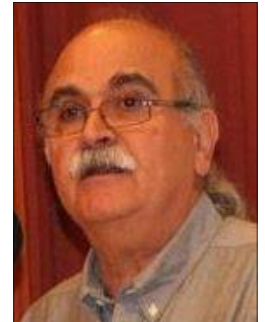
را برجسته کند که متاخر و مربوط به یکسال قبل است. در این گزارش مشخصا آخرین جنایات حکومت علیه مردم معترض نقد و افشا میشود. حدود دو ماه دیگر به سالگرد جنایاتی که جمهوری اسلامی در آبان ماه ۹۸ مرتکب شد میرسیم و گزارش هم به نوعی به استقبال این روز رفته است. این هم جنبه دیگری از تاثیر و بازتاب فضای عمومی سرنگونی طلبانه بر تدوین و انتشار این گزارش است.

البته روشن است که جنایتهای جمهوری اسلامی نه به آبان ماه محدود میشود و نه فقط این مواردی است که در این گزارش آمده. جنایات جمهوری اسلامی دارای ابعاد و عرصه های بسیار فاجعه آمیز تری است که این گزارش واردش نشده است. مثل نفس مذهبی بودن این حکومت. ایدئولوژی و قوانین حکومت مثل قوانین قصاص مبتنی بر مذهب اسلام است و نمیشود جمهوری اسلامی را زیر ضرب گرفت و علیه سلطه اسلام بر دولت و قوانین و جامعه حرفی زد. گزارش علیه گرانی کمرشکن و فقر و فلاکت اقتصادی که رژیم بر جامعه حاکم کرده هم حرفی ندارد. اینها به حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق بشر مربوط نیست ولی به زندگی میلیونها انسان در ایران مستقیما مربوط است. یک ریشه اعتراضات در آبان ماه همین فقر و گرانی و بی تامینی اقتصادی بود. عفو بین الملل وارد این مسائل نمیشود ولی از نقطه نظر مردم مساله به نقض حقوق بشر محدود نیست بلکه ابعاد بسیار وسیعتر و همه جانبه تری دارد.

خلیل کیوان: در همین رابطه سئوالی دارم. آیا مسله حقوق بشر در ایران راه حل حقوقی - قضائی دارد؟ آیا کلا چهارچوب نقض حقوق بشر برای مقابله باحکومت اسلامی کافی است؟

حمید تقوائی: خیر، کافی نیست. همانطور که توضیح دادم این فقط یک جنبه از ابعاد جنایت حکومت است. جنبه مهمی است ولی همه مساله نیست. حتی اگر از نظر حقوقی - قضائی موضوع را مد نظر قرار بدهیم می بینیم که قوانین جمهوری اسلامی نه تنها ناقض حقوق بشر بلکه ناقض موجودیت بشر و نفس زندگی اند. با زندگی و امنیت جانی انسانها در تناقض هستند. بعنوان محارب و مفسد فی الارض یا توهین به رهبری حکم زندان و اعدام صادر میکنند. بی خدایان و منتقدین اسلام حق نفس کشیدن ندارند. همجنسگرایان حکمشان اعدام است. من همیشه گفته ام اعدام همه جا قتل عمد دولتی است ولی در ایران بیگناهان اعدام میشوند. اعدام در ایران جنایت به توان دو است. جنایت مضاعف است. اما حتی این جنبه هم هنوز کل فاجعه جمهوری اسلامی را توضیح نمیدهد. حکومت اسلامی حاکمیت یک مافیای اقتصادی سرمایه دار مفتخور است که میدزدد و میبرد و چپاول میکند و برای

حکومت "ویرانگر انسانیت" باید در جهان منزوی شود این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است



خلیل کیوان: اخیرا سازمان عفو بین الملل با انتشار گزارشی به جنایات جمهوری اسلامی در پی سرکوب اعتراضات سراسری آبان ماه پرداخته است. این گزارش بر اساس گفتگو با شماری از دستگیرشدگان، خانواده های قربانیان، شاهدان عینی، فعالین حقوق بشر و مستندات دیگر تهیه شده است. جامع و دقیق است و در مقایسه با گزارشات قبلی این سازمان زبان و بیان صریح تر و تندتری دارد. علت چیست؟

حمید تقوائی: این لحن و این صراحت ناشی از فضای سیاسی عمومی در ایران است. نقطه تمرکز همین گزارش خیزش آبان است که خیزش سراسری و کوبنده ای علیه کل نظام جمهوری اسلامی بود. حکومت با تمام توحش و ابزار سرکوبش علیه مردم ایستاد و سازمان عفو بین الملل هم روی همین توحش انگشت گذاشته است. به این معنی از نظر مضمون این گزارش مستقیما به اعتراضات توده ای علیه جمهوری اسلامی مربوط میشود. این ارتباط را حتی در عنوان گزارش هم می بینید.

حفظ خود در قدرت میزند و می بندد و شکنجه و اعدام میکند. حکومتی که نه تنها ابتدائی ترین آزادیها و حقوق سیاسی و مدنی مردم را نقض میکند بلکه مردم را بزیر خط فقر رانده و شرایط معیشتی غیر قابل تحملی را برای اکثریت عظیم مردم ایجاد کرده است. این واقعیت جمهوری اسلامی است و حل این مسائل تنها در چهارچوب قضائی حقوقی ممکن نیست بلکه باید کل این حکومت را بزیر کشید و کل این نظام را در هم شکست.

خلیل کیوان: حقایقی که این گزارش مطرح کرده برای مردم ایران تازه نیست. مردم بیش از ۴۰ سال است که توحش جمهوری اسلامی را تجربه کرده اند. آیا به این دلیل نمیتوان گفت که این گزارش اهمیت چندانی لاقبل از نظر افکار عمومی در ایران و در فضای سیاسی جامعه ایران ندارد؟

حمید تقوائی: بله گزارش نکته تازه ای برای مردم ایران در بر ندارد و از این نقطه نظر حائز اهمیت نیست. اهمیت این گزارش این است که یک سازمان معتبر بین المللی، و نه یک نیروی اپوزیسیون - که کارش مدام همین نوع افشاگریها و نقد و کوبیدن حکومت است - ادامه در صفحه ۹



در مورد احکام اعدام و زندان علیه برادران افکاری گفتگو با مینا احدی



وضع نجات پیدا کند. او دو روز در کما بوده است. پخش این اعترافات جز به نفرت و انزجار عمومی دامن زند فایده دیگری برای حکومت نداشته و ندارد.

انترناسیونال: همانطور که اشاره کردید نوید افکاری جمله تکان دهنده ای بیان کرده با این عنوان که "من فهمیدم آنها دنبال گردنی برای طنابشان می گردند" منظورش روشن است نظر شما راجع به این گفته چیست؟

مینا احدی: من بعنوان کسی که از روز اول در مقابل اعدامهای حکومت اسلامی ایستاده و سال های سال کمپین هایی علیه احکام وحشیانه اعدام سازمان داده ام، کاملا این جمله را درک میکنم و این جمله تکان دهنده و طلایی را هم نتیجه همان مبارزاتی میدانم که ما سالها انجام داده و سیستم قضایی جمهوری اسلامی را افشا کرده ایم. ببینید ما در مورد دستگاهی حرف میزنیم که فقط برای سرکوب مردم است و هر بار لازم داشته باشد یک نفر را در ملاعام و یا در زندان میکشد تا وحشت ایجاد کند و مانع اعتراضات شود. من دیده ام وقتی مثلا در شاهین شهر احساس میکنند فضا متشنج است و ممکنست اعتراضی صورت بگیرد، دو برادر را میبرند اعدام میکنند و یا وقتی در کردستان می بینند ممکنست اعتصاب عمومی بشود، چند جوان را میکشند. اینکه اعدام غیر انسانی و وحشیانه است یک بحث است و اینکه همین اعدام ها در ایران، کاملا سیاسی است و بیگناهان زیادی را اینها با پرونده سازی و بنا بر مصلحت نظام اشان کشته اند یک بحث مهم دیگر است که باید به آن توجه کرد.

فیلمی را سرهم بندی میکرد و می آورد پخش میکرد. اکنون میخواهد بگوید به این دلیل و با اتکا به این اسناد میخواهم یک فرد را بکشم. جالب اینست که این اسناد، خود یک زمینه بیشتر فراهم میکند که اعتراضات گسترده تر شود. چرا که پرونده سازی هایی از این نوع خود نشان میدهد که حکومت اسلامی ایران همچنان که خود نوید افکاری گفته "اینها احتیاج به یک گردن برای طناب دارشان دارند" و از بد روزگار این بار قرعه به اسم نوید و خانواده او افتاده است.

در همین مورد فیلمی که پخش شد، در نهایت دستپاچگی و غیر حرفه ای گری تهیه شده بود. تو گویی مردم ایران و دنیا که این حکومت را می شناسند با این فیلم و دادن چاقویی به دست نوید که بگوید با این چاقو کشتم، قانع میشوند که آنچه رژیم ادعا میکند درست است. همه میدانند این حکومت زندانیان را شکنجه میکند و در مورد خانواده نوید افکاری، چنین است که آنها را تحت فشار گذاشته افشا گری نکنند. اکنون همه میدانند که نوید زیر شکنجه دستش شکسته و وحید برادر دیگرشان نیز چنان وحشیانه شکنجه شده که علیه برادرش اقرار کند، که او دوبار دست به خودکشی زده تا از این

صدور حکم اعدام نوید افکاری و حکم ۵۴ سال زندان برای برادرانش وحید و حبیب افکاری که از معترضین دستگیر شده در اعتراضات سراسری ۹۷ بودند اعتراضات وسیع و بسیار گسترده ای در ایران و سطح جهان داشته است. اخیرا صدا و سیما جمهوری اسلامی به روال معمول یک شوی تلویزیونی در مورد اینکه نوید افکاری به قتل اعتراف کرده است، صحنه های ساختگی ای را پخش نمود. در این باره گفتگویی داریم با مینا احدی از فعالین سرشناس جنبش علیه اعدام.

انترناسیونال: نظرتان راجع به شوی تلویزیونی مستند "هشت وسی" که از تلویزیون دولتی ایران پخش شد چیست؟ رژیم چه هدفی از این به اصطلاح مستند سازها دنبال میکند؟

مینا احدی: این البته اولین بار نیست که حکومت اسلامی دست به چنین کاری میزند. در مورد هر کمپین و یا حرکتی که ابعادی بین المللی پیدا کرده و در مقابل هر اعتراضی که جهانی میشود، حکومت دست به تشبثاتی این چنینی میزند. وقتی مردم اعتراض میکنند که چرا یک نفر را گرفته و به دلایل واهی به اعدام محکوم کرده و یا وقتی مردم علیه سنگسار اعتراض میکردند، حکومت

فشار حکومت، تقریبا دو سال به وعده و وعیدها و یا اعمال فشار حکومت تمکین کرده و در مورد این ظلم بزرگ بخودشان حرفی نزدند. اما وقتی همه راهها به بن بست رسید، نوید و خانواده او شروع به حرف زدن کردند. نکته جالب اینست که در ایران بدلیل مبارزات گسترده و دائمی علیه اعدام، یک شبکه بزرگ اعتراض به اعدام و یک روشنی و شفافیت در مقابله با اعدام و همچنین راههای تجربه شده برای جلب نظر افکار عمومی بین المللی هست که ما می بینیم وقتی اولین پیام نوید و مادرش علنی میشود، چند روزی نمیکشد که همین شبکه از قبل آماده و همین تجارب درخشان مبارزه که با درد و رنج و غم فراوان شکل گرفته، یک هفتبه می بینیم دنیا خبردار میشود و در ایران و در جهان بطور اتوماتیک جنبشی راه می افتد که توجه دنیا را بخود جلب میکند. الان در دفاع از نوید نه فقط مردم ایران بلکه میلیونها نفر مردم دنیا دارند فعالیت میکنند. با امضا طومار و تویت کردن و تظاهرات سازمان دادن و این مجموعه اقدامات جالب از این نوع. الان اتحادیه بین المللی ورزشکاران به یاری نوید آمده و حتی اعلام کرده اند اگر حکومت اسلامی نوید را اعدام کند، باید کمیته بین المللی ادامه در صفحه ۱۰

اعدام در ایران فقط برای ایجاد وحشت است و در سیستمی که مثلا به جرایم رسیدگی میکند یک مینیمم از عدالت و بررسی حقیقت و توجه به شاهدین ماجرا و غیره وجود ندارد. یک قاضی سنگدل از قبل تصمیمش را میگیرد و دنبال کسی میگردند طناب را به گردن او انداخته و به نیاز سیستم انسان کش خود پاسخ بدهند. در این سیستم و کیلی که بخواهد دنبال راه حل بگردد و با اتکا به همان قوانین کذایی اینها فردی را از اعدام نجات دهد، خودش را دستگیر و زندانی میکنند. بی دلیل نیست تقریبا همه وکلایی که قصد کمک داشتند را یا گرفته و زندانی کرده اند و یا مجبور کرده اند از ایران خارج شوند. من صد در صد با نوید موافقم که در این مورد هم دنبال گردنی هستند برای انداختن طناب دور آن. و این بیان ساده یک فاجعه عظیم اجتماعی است.

انترناسیونال: کمپین ها و فعالیتهایی برای نجات برادران افکاری جریان دارد که شما نقش برجسته ای در برخی از آنها داشته اید. اگر ممکن است در این رابطه توضیحاتی به خوانندگان بدهید. همینطور در مورد دیگر فعالیتهایی که این روزها علیه جمهوری اسلامی داشته اید مختصرا بگویید.

مینا احدی: خانواده نوید افکاری متأسفانه تحت

اعتصاب نفت: دستاوردها و کشاکش‌ها

شهلا دانشفر



بیش از چهل روز است که اعتصاب گسترده ای در ۵۵ مرکز نفت در ۲۲ استان در جریان است. این اعتصاب بار دیگر توجه‌ها را به سوی کارگران نفت جلب کرده است. جمهوری اسلامی در بیش از ۴۰ سال حاکمیتش تلاش کرده است که صنعت نفت و مراکز وابسته به آنرا بصورت پادگانی در آورد و با سپردن هر بخش آن به پیمانکاری و تغییر ساختار آن بالاترین شکل از بهره‌کشی و استثمار را جاری کند. اعتصاب اخیر نفت عصیان این کارگران در جهت پاره کردن زنجیری است که در طی حاکمیت رژیم اسلامی بر پای این کارگران زده شده است. با این اعتصاب کارگران عملاً از فضای پادگانی‌ای که در نفت حاکم است عبور کرده و علیرغم سپرده شدن هر بخش آن به پیمانکاری جداگانه، در سطحی سراسری و متحدانه وارد اعتصاب شده و توانسته‌اند صدای اعتراض خود را در سطح جامعه انعکاس دهند. این اعتصابات به نقطه‌امیدی برای همه مردم تبدیل شده و تا همین جا حمایت‌های بسیاری در سطح بین‌المللی را به‌همراه داشته است.

قابل توجه اینجاست که در این میان جریان‌های تلاش دارند، که این اعتصابات را در چهارچوب نظام موجود محبوس کنند. از جمله تبلیغات فشرده‌ای بر روی ترک کار و رفتن به خانه‌ها صورت گرفته و یک تلاش چنین جریان‌هایی در طول این اعتصابات مخالفت با برپایی تجمعات اعتراضی و یا محدود نگاهداشتن دامنه آن بوده است. از جمله آنجایی که از میان کارگران اعتصابی بحث تجمع به میان می‌آید و بطور مثال در جایی چون ایذه و اصفهان کارگران تجمع کردند، از سوی این جریان‌ها مخالفت و مقابله تندی با چنین نظراتی صورت گرفت. یک نمونه آن عکس‌العمل گروهی تحت عنوان "مدیریت گروه پایبندنگ و اکیپ پروژه ای و طراحان کمپین" است که مخالفت شدید خود را با برپایی هرگونه تجمعی از سوی کارگران اعتصابی اعلام کرده و مینویسد مخالف تجمعات است: "چرا که این تجمعات به ضرر ما تمام خواهد شد و شاید برخی افراد علاقمند به اهداف سیاسی با دیدن این بیانی‌ها خودشان رو به اون مکان برسانند و از تجمع مظلومانه کارگری سوء استفاده سیاسی و موج سواری کنند و همه زحمات ما را بر باد بدهند و کارگران بیگانه و از همه جا بی‌خبر بخاطر اقدامات آشوبگرانه افراد فرصت طلب مورد خشم و برخورد حکومت و نظام قرار گیرند". در این اخطار دادن‌ها اینها حتی فراتر رفته و حتی کسانی را که تجمع اعتراضی برپا میکنند را خائن خوانده و مینویسند:

"کسانی که باحضورشون تجمعی درست کنند همانند کسانی که برگشتند سرکار خیانتکار هستند و به نمایندگان کارگری خود طراحان کمپین پشت کرده و خیانت کردند". اینگونه اخطار دادن و چنین ادبیاتی برای همه مردم آشناست. بازی کردن در چهارچوب همان امنیتی کردن هرگونه تجمع و اعتراضی و قواعد سیستم حاکم است. این عکس‌العمل در عین حال بیش از هر چیز هراس آنها را از خارج شدن کنترل اوضاع از دست شان و زیر ضرب رفتن نظام حاکم به نمایش میگذارد. جالب اینجاست در ادامه همین عکس‌العمل‌ها آنها کارگران را به نامه‌های ارسالی خود به خامنه‌ای و مقامات مختلف حکومتی حواله میدهند. از جمله در نامه خطاب به خامنه‌ای همین گروه که حمایت "سندیکای فلزکار مکانیک" را نیز یکدک میکشد، به خامنه‌ای و سران حکومت خاطر جمعی میدهند که جای نگرانی‌ای نیست و اوضاع تحت کنترل است. در این نامه به یکسری از خواسته‌های صنفی کارگران اشاره شده و بعد در بخشی از آن چنین آمده است: "اینجانبان مسئولان کمپین هیچگونه گرایش و سمت و سویی به شبکه‌های معاند و ضد انقلاب و خیانتکار به نظام مقدس اسلامی در خارج از کشور نداشته و نداریم و همه کارگران مظلوم و بدون حامی وفادار و دوستدار نظام اسلامی مان هستیم و صرفاً بر حق مسلم خود تاکید و تمنای توجه و رسیدگی داریم و پس از قول و رسیدگی از جانب شما ولی‌های امر همه نیروها به کار خود باز خواهند گشت. ما پس از شنیدن و دیدن مصاحبه فرماندار آبادان



که برچسب‌های نابحق ارتباط با شبکه‌های معاند به ما کارگران زد، بر خود واجب دانستیم بدین وسیله وفاداری و ارادت خود را به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران اعلام داریم و شبکه‌های خارجی را به شدت محکوم می‌کنیم و اعلام کنیم هیچگونه حمایت و پوشش خبری از شما نخواستیم و نمی‌خواهیم. لازم به عرض است اگر شرایط کاری ما کارگران درست بشود هیچ کارگر و ایرانی فریب و چشم دوخته به غرب و خیانتکاران به نظام نخواهد شد و هیچ خائنی نمی‌تواند از اوضاع کنونی استفاده سیاسی و موج‌سواری کند و ما همه سربازان مخلص صنعتی نظام و رهبر عالیقدرمان هستیم." اینها در واقع همان بیان و زبان وابستگان حکومتی است که به نام کارگر دارد بیان میشود. این گفته‌ها از نوع همان اظهاراتی است که بارها از زبان خود حکومتیان و حزب الله حاضر در رکاب جمهوری اسلامی شنیده ایم. این گفته‌ها در عین حال سراسیمگی چنین جریان‌هایی در برابر کارگری است که در اعتصابش میگوید تا حق خود نگیریم به خانه نمی‌رویم و بدنبال عقب نشینی‌های پیمانکاران برای افزایش دستمزدها، دارند از جمع کردن کل بساط این ادامه در صفحه ۱۱

آموزش و پرورش شاد و انسانی حق همه کودکان است!

سیامک بهاری



شده است. مدارس باید باز و کلاسهای درس برقرار شوند. هیچ چیز سر جای خودش نیست و هیچ معیار و ضابطه تعریف شده‌ای از رعایت پروتکل‌های بهداشتی در دست نیست. رجز می‌خوانند و دروغ می‌بافند که شبکه شاد امکانات مجازی آموزشی را مهیا کرده است. از بس دروغ زمخت و غیرقابل باور است، ناچارند اعتراف کنند که نزدیک به چهار میلیون دانش آموز اصلاً به این شبکه دسترسی نداشته و ندارند. آنها هم که وصل شده‌اند با استانداردی بسیار پایین چند ساعت در هفته توانسته‌اند فقط به شبکه وصل باشند. مدت نه چندان طولانی معلوم می‌شود همین شبکه به اصطلاح "شاد" برای وزارت آموزش و پرورش ۱۵۰ میلیارد تومان درآمد داشته و تاچندی دیگر این سود سرشار چندین برابر خواهد شد! این در حالی است قرار نبوده است برای وصل شدن به شبکه هزینه‌ای پرداخت. سال تحصیلی گذشته عملاً برباد رفته است و افت تحصیلی بسیار سنگین بوده است. در سال تحصیلی جدید هم همین بساط ادامه خواهد یافت.

قرار است در ویرانه‌هایی که مدرسه خوانده می‌شود، در کلاس‌هایی که هر آن بیم فرو ریختن بسیاری از آنها می‌رود. در کوران کشتار کرونا، معلم و دانش آموز را به صف کنند تا همه چیز عادی و نرمال جلوه کند.

ویروس کرونا بر همه چیز و بر کل جامعه تأثیر مخرب گذاشته است. نمایش بازگشایی مدارس، لابی‌گری عامدانه و نمایش‌های مضحک مقابله با کرونا در مدارس، تمام قد

پروتکل‌های بهداشتی پوچ است. خانواده‌های نگران مقاومت می‌کنند و دست به اعتراض می‌زنند. کانون‌ها و تشکل‌های معلمان بی‌پایه می‌دهند و معترضند. در نهایت وزارت آموزش و پرورش مسئولیتی بعهده نمی‌گیرد و بار مسئولیت را بر دوش خانواده واضح است این عدم شفافیت در تصمیم و اجرا اساساً خانه از زیر بار مسئولیت خانه کردن و سپردن عواقب این روند به خانواده‌ها است. این ادامه تحمیل سیاست "جان یا نان" است. حال یا جان یا تحصیل! مشخص است که کشمکش خانواده‌ها و آموزش و پرورش ادامه کشمکش مردم با کل دستگاه حکومتی است. سال جاری تحصیلی از این نظر با سالهای قبل بسیار متفاوت است. شیوع ویروس کرونا، وضعیت وخیم آموزش پرورش را صد چندان بدتر از قبل کرده است. در حالیکه سازمان تجهیز و نوسازی مدارس به دلیل کسری بودجه عملاً تعطیل شده است، یک بند دروغ می‌بافند که مدارس برای ورود دانش‌آموزان پروتکل‌های بهداشتی آماده

آغاز سال تحصیلی است و به جای شادی و شمع، خانواده‌ها خشمگین و مضطربند! هیچ چیز سر جای خودش نیست. کشمکش و سرگردانی خانواده‌ها و دانش‌آموزان با وزارت آموزش و پرورش در بازگشایی مدارس نشان از به هم ریختگی کل سیستمی دارد که نه می‌تواند و نه می‌خواهد به مردم پاسخگو باشد. پلانهای بازگشایی مدارس از بالا تا پایین حکومت در تضاد و تناقض با واقعیت موجود جامعه است. رئیس دولت رجز می‌خواند و اصل را بر آموزش حضوری می‌گذارد، خودش می‌رود در اتاق کارش ایزوله می‌شود و به دانش‌آموزان و معلمان دستور حضور در کلاسها را می‌دهد. رئیس مجمع عمومی نظام پزشکی کشور می‌گوید بازگشایی مدارس فاجعه به بار خواهد آورد. ستاد مقابله با کرونا همین را می‌گوید. مقاومت و اعتراضات خانواده‌ها و دانش‌آموزان علیه وضعیت به هم ریخته بازگشایی مدارس همه گیر شده است.

تا همین جا مشخص شده است که برنامه ریزی‌های ادعایی وزارت آموزش و پرورش در اجرای

فقط سهم آموزش مجازی است. بیش از هفت میلیون و نیم میلیون کودک پیش از پاندمی کرونا عملاً از چرخه تحصیل به بازار بیرحم کار پرتاب شده بودند. کودکان اتباع خارجی بویژه افغانستانی و بی‌هویت و بی‌شناسنامه از جمله بخش قابل توجهی از قربانیان این فاجعه‌اند.

شیوع و کشتار کرونا در کل کشور قابل انکار و کتمان نیست. اکثریت شهرهای بزرگ در وضعیت قرمز و هشدار هستند. کرونا تهدیدی بسیار جدی برای کارکنان مدارس و بویژه معلمان است. کلاسهای درس فاقد ابتدایی‌ترین امکانات بهداشتی لازم است. با وضعیت و امکانات ناچیز کنونی فاصله گذاری نه در سرویس‌های ایاب و ذهاب و نه در کلاس‌های درس امکان پذیر نیست. انتقال ویروس توسط کودکان به اقتضای سن و جنب و جوش و تماس با یکدیگر بسیار سریعتر صورت می‌گیرد و به بزرگسالان سرایت می‌کند. گسترش و انتقال ویروس با حضور در کلاس‌های درس بدون محاسبات زیر ساختی در کل جامعه و مجموعه پروتکل‌های بهداشتی مقابله با آن، چرخه گسترش کلی ادامه در صفحه ۱۲

خصلت نمای جمهوری اسلامی در مواجهه با ویروس کرونا از ابتدا تا به اکنون ادعاهای فریبکارانه آموزش و پرورش در اجرای پروتکل‌های بهداشتی آنقدر آشکار است که شبهه‌ای برای خانواده‌های نگران و مضطرب باقی نمی‌گذارد که نهادی و جایی در جمهوری اسلامی دغدغه‌اش نجات جان مردم نیست. از ابتدای شیوع کرونا تا کنون آموزش و پرورش بعنوان بخشی از دولت نشان داده است که هیچ عزمی برای مصون و محفوظ نگه داشتن دانش‌آموزان و کادر آموزشی در مقابله با کرونا نداشته و ندارد. هر اقدامی صورت گرفته، ابتکار و تلاش خانواده‌ها و برخی ان‌جی‌او به تخمین وزارت آموزش و پرورش نزدیک به چهار میلیون دانش‌آموز عملاً از دسترسی به آموزش مجازی محروم مانده‌اند. تهیه هزینه اینترنت پرسرعت برای ساعت‌ها و روزهای متمادی. تهیه تبلت و لپ‌تاپ و تلفن هوشمند برای اکثریت خانواده‌ها یا ناممکن است یا هزینه سنگینی بر آنها تحمیل می‌کند. میلیونها کودک و دانش‌آموز با افت آموزشی سنگین از ادامه تحصیل باز خواهند ماند. این



همچنین یک ابزار شکنجه و ارباب است. تجاوز جنسی به زندانیان سیاسی، تجاوز به باکره ها قبل از اعدام، تجاوز به معترضین بازداشت شده از جمله سال ۸۸، زمستان ۹۶، آبان و دی ماه ۹۸، تعرض گشت ارشاد و آزارهای خیابانی این ارگان سرکوبگر به زنان، تجاوز به زنان "بدحجاب" بازداشت شده در مراکز نیروی انتظامی، تجاوز گروهی ایادی جمهوری اسلامی به جمعی از زنان در ایرانشهر، تجاوز مسئولان و مقامات نظام همچون سلمان خدادادی تجاوزگر زهرا نویدپور و تلاش مامور وزارت اطلاعات برای تجاوز به ریحانه جباری و صدها و صدها مورد تجاوز جنسی دیگر که آمر و عامل آن مقامات حکومتی هستند، همه و همه از مصادیق آشکار سازمان یافته بودن مسئله تعرض و تجاوز جنسی در جمهوری اسلامی با هدف سرکوب زنان و کلیت جامعه است. اما حالا پس از تعیین

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران درباره کارزار "من هم" در ایران نه به تجاوز جنسی، نه به بردگی جنسی، نه به جمهوری اسلامی



انفجار بمب افشاگری از تجاوزها و آزارهای جنسی تحت عنوان #من_هم در فضای اجتماعی، سیاسی و اعتراضی ایران که غالباً گریبان زنان و کودکان را گرفته، یک حرکت عظیم علیه وضع موجود و علیه حکومتی است که بر پایه بردگی جنسی و تجاوز جنسی بنا شده است. موجی اعتراضی علیه حکومتی که با وضع قوانین ضد زن و ضد کودک و ضد رنگین کمانی ها و با تولید و بازتولید فرهنگ و ارزشهای مبتنی بر بهره کشی جنسی، مسبب چرخیدن چرخه یک تراژدی جنسی فاجعه بار به نام تجاوز است. وجود قوانین مذهبی و ارتجاعی و مردسالار در تار و

سازمانده اصلی تجاوز میداند و همه فعالین جنبش رهایی زن، جنبش دفاع از حقوق کودک و دیگر جنبشهای اعتراضی از جمله جنبش دانشجویی و کارگری، و نیز نیروهای سکولار و آزادیخواه را به حمایت از قربانیان تجاوز جنسی، مبارزه برای لغو کلیه قوانین ضد زن اسلامی و قوانین مبتنی بر بردگی جنسی، و مبارزه برای سرنگونی حکومت مسبب این تراژدی اجتماعی فرا میخواند. *

حزب کمونیست
کارگری ایران
۱۴ شهریور ۱۳۹۹
۴ سپتامبر ۲۰۲۰

تکلیف جامعه با این حکومت و طرح شعار "جمهوری اسلامی نابود باید گردد" در خیزش سراسری دیماه ۹۸، و بر بستر یک شرایط ویژه و معین که جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی با شتاب هر چه بیشتر گسترده می شود، اعتراض به بردگی جنسی و اعتراض به تجاوز جنسی، بیش از پیش گسترده و به پرچم اعتراض علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

حزب کمونیست کارگری اولین شرط ریشه کن شدن تجاوز جنسی در ایران را سرنگونی جمهوری اسلامی بعنوان حکومتی ضد زن و



همه آنها را که صبح زود یکشنبه از نقاط مختلف شهر تورنتو و شهرکهای دور و بر به این آکسیون آمده تا اعتراض کنند، و نگذاشتند عوامل جانی این رژیم با خیال راحت این نمایش جنایت و توحش را برگزار کنند، صمیمانه می فشارم. نشان دادند که نمی گذارند رژیم جنایتکار اسلامی هزاران کیلومتر دور از ایران هم به جان و زندگی و سلامت فکری ایرانیان دست درازی کند. *

فراخوانی صادر نکردند، بلکه به نظر می آید که بطور همه جانبه و عمدی از شرکت در این اعتراض خودداری کرده بودند. فعالین حزب کمونیست کارگری که از طرح و مسیر این مراسم اطلاع پیدا کرده بودند، بسیاری از این جریانات را از تدارکات رژیم اسلامی باخبر کرده بودند، اما این نیروها روز اعتراض عملاً ترجیح دادند که شرکت نکنند و اطلاعیه و خبری هم از آن منتشر نکردند.

من به نوبه خود دست

شرکت هر چه بیشتر احزاب و سازمان های سیاسی لائیک در اعتراض به مراسم دولتی عاشورا بودیم. سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومتش، درست از سر شریک بودن در مذهب با رژیم اسلامی، مشکلی با عاشورا ندارد و تا بحال نه تنها بعنوان یک نهاد در هیچ اعتراضی بر علیه این مراسم شرکت نکرده، بلکه تبلیغی هم در هیچ سطحی بر علیه این مراسم آدمکشان از آن دیده نشده است. از طرف دیگر نیروهای چپ هم (البته بغیر از حزب کمونیست کارگری ایران) که بعنوان نهاد در سال های گذشته در این اعتراضات شرکت می کردند، امسال نه تنها هیچ اطلاعیه و

از مدیای اجتماعی حزب، ناصر اصغری درباره عاشورای دولتی در تورنتو

برگزاری مراسم عاشورای دولتی در تورنتو در پنج شش سال گذشته به صحنه رویارویی اپوزیسیون جمهوری اسلامی با عوامل این رژیم آدمکش تبدیل شده است. نوشته صدف کوروش نیا و اطلاعیه کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران واحد شرق کانادا تصویری ملموس از این رویارویی داده اند. هدف از برگزاری این مراسم توسط جمهوری اسلامی همانند مورد سلمان رشدی، رقابت این رژیم با رقبای منطقه ای آن، از جمله

عربستان سعودی است؛ اما قربانیان نمایش دادن تصویری قدر قدرت از خود، که بگوید می تواند آدم بسیج کند، قبل از هر دولت و رقیبی، باز هم مثل مورد سلمان رشدی، توده های معترض مردم ایران و در این مورد مشخص مهاجران و پناهندگان ایرانی ساکن شهر تورنتو و حومه آن هستند که بعد از خود ایران و لوس آنجلس هم اکنون تعداد بیشترین ایران اینجا سکونت دارند.

اپوزیسیونی که

اعتراض نمی کند

در سال های گذشته شاهد



قاسم سلیمانی را وارد کتب درسی کنند و دختران را حتی از روی جلد کتاب حذف کنند جامعه هم قبول میکند. اما در همین چند روز با موجی از اعتراض خانواده ها مواجه شدند و نمودارند چگونه اینرا توضیح بدهند، مقامات و ارگان ها از این اقدام تبری میجویند و هیچکس جرات نمیکند مسئولیت این اقدام را بعهده بگیرد. نمودارند چگونه عقب نشینی کنند. خانواده ها فوراً انواع

ابتکارات را در دستور گذاشتند، فراخوان هایی منتشر کردند که جلد کتاب را با عکس دختران خودتان و یا عکس مریم میرزاخانی طراحی کنید و در مدیای اجتماعی پخش کنید.

جنایت بزرگی که از بدو روی کار آمدن حکومت اسلامی شروع شد ممنوعیت مدارس مختلط بود. در حالیکه در اکثر کشورهای دنیا بچه ها، دختر و پسر با هم به مدرسه میروند، با هم جست و خیز میکنند، شنا میکنند، کلاس موسیقی میروند، دوست میشوند، رفت و آمد میکنند، آموزش مسائل جنسی میبینند و چشم و گوششان به مسائل مختلف جامعه باز میشود. در جمهوری اسلامی اما جداسازی میکنند، آخوند به مدرسه میفرستند، بچه ها را بجای سفرهای تفریحی و آموزشی به صحنه های باقیمانده از جنگ میبرند، شنیع ترین خرافات ضد کودک، ضد زن و ضد انسان و انواع خشونت را در مغز کودکان میکینند.

اما آنچه جالب است این

حذف عکس دختر بچه ها تعرضی شنیع به کودکان است و باید با تعرض همه جامعه مواجه شود

اصغر کریمی



به پسر بچه ها و به کل جامعه منتقل کنند؟ این خشونت سنگینی علیه کودکی است که قرار است در مدرسه محیط شادی داشته باشد، مورد احترام باشد، اعتماد بنفس پیدا کند، احساس انسان بودن بکند، خودش را برای روی آوردن با موانع و مشکلات زندگی مواجه کند، اما حکومت فاشیست های اسلامی تلاش میکند از همان کودکی او را خرد کند، در هم بشکند و او را بی هویت کند. اما عکس های داخل کتاب از اینهم شنیع تر است. تعدادی عکس دختر بچه با حجاب اسلامی و در حال نماز را کنار هم گذاشته اند که با آنها جمع و ضرب را به بچه ها یاد بدهند. کودک در این تصاویر یک عدد، آنهم یک عدد اسلامی و یک سرباز اسلام و حامل ایدئولوژی مفتخوران حاکم است نه یک کودک، نه یک انسان.

این البته انعکاس شکست حکومت در مقابل زنان و کل مردم برای تحمیل فرهنگ عقب مانده و ضد انسان اسلامی است. حالا فکر میکنند اگر تروریستی مانند

جمهوری اسلامی در اقدامی شنیع عکس دختر بچه ها را از روی جلد کتاب های درسی پایه سوم حذف کرد. این تعرضی سازمان یافته به روح و روان کودکان، تحقیر دختران و تلاش برای خرد کردن شخصیت دختران است و باید با اعتراض همه مردم مواجه شود.

از همان سنین کودکی باید به کودکان یاد آور شوند که دختر بچه اینقدر ارزش ندارد که عکسش حتی با آن حجاب لعنتی اسلامی که سرش کرده اند، روی جلد کتاب باشد. به پسر بچه ها باید حالی کنند که شما باید در صف اول باشید، شما باید روی جلد کتاب باشید. دخترها باید به پستوهای خانه ها رانده شوند.

دختر ۸-۹ ساله ای که میبیند عکسش را از روی جلد کتاب حذف کرده اند چه فکر میکند؟ جز اینکه میخواهند حذفش کنند که دیده نشود؟ جز اینکه میخواهند القا کنند تو جنس پست تری هستی؟ حتی با روسری اسلامی هم نباید کنار پسرها ظاهر شوی؟ جز اینکه میخواهند همین را

ورزشی را گسترش داد، آخوندها را از مدارس بیرون انداخت، خواهان نظارت خانواده ها بر مدارس و کلاس های درسی شد. کلیه خانواده ها وظیفه دارند بچه هایشان را در مقابل انبوهی تعرض هر روزه محافظت کنند، برای مقابله با اینهمه تعرض سیستماتیک و سازمان یافته آماده کنند، معلمان و نهادهای مدافع حقوق کودک موظفند در مقابل همه این دست درازی ها بایستند و جبهه محکمی برای دفاع از کودکان سازمان دهند. کل جامعه از نهادهای مدافع حقوق انسان تا فعالین سیاسی و اجتماعی، دانشجویان، نویسندگان، چهره های آزادیخواه و شناخته شده، باید عکس العمل نشان بدهند و با موجی از اعتراض مشت محکمی به پوزه مفتخورانی که چیزی جز جنایت نیاموخته اند وارد کنند. میتوانیم و باید در این جبهه نیز شکست بزرگی نصیب کثافات حاکم کنیم.*

است که اکثر قریب به اتفاق کودکان از همان سنین کودکی همه اینها را به جوک تبدیل میکنند، آخوند را دست می اندازند، با جنس مخالف خود دوست میشوند، و به ریش کثافات حاکم میخندند و دختران برای غلبه بر سیاست های حکومت تلاششان را دوبرابر میکنند. اما در این میان تعداد زیادی هم قربانی فرهنگ ضد انسانی حکومت میشوند، خرد میشوند، اعتماد بنفسشان را از دست میدهند، خودکشی میکنند، قتل ناموسی میشوند، مورد تجاوز و خشونت قرار میگیرند، از همان کودکی به ازدواج داده میشوند و زندگی شان نابود میشود.

باید با تمام قوا در مقابل این جنایت ایستاد، راهش تعرض به کل سیاست های ضد آموزشی حکومت است. باید خواهان همه دستاوردهای بشر در کشورهای پیشرفته شد، باید خواهان مدارس مختلط شد، خواهان حذف مذهب از کتب درسی و برخورد برابر میان پسر و دختر شد، امکانات

حکومت اسلامی ضد زن نابود باید گردد

حکومت "ویرانگر انسانیت" باید...

بطور مستند و مشروحی جنایتهای حکومت در سرکوب مردم معترض را افشا میکند، لقب ویرانگر انسانیت به چنین حکومتی میدهد، و از سازمانها و دولتها میخواهد که این جنایات را محکوم کنند. اهمیت گزارش اینجاست. بویژه در سطح جهانی از نظر مخاطبین و کسانی که به این گزارش رجوع میکنند این سند اهمیت زیادی دارد.

خیزش آبان ماه توجه دولتها سازمانها و نیروهای مترقی و احزاب در سطح جهانی را به جنایات جمهوری اسلامی جلب کرد. مساله شلیک به مردم و کشتار آنها در خیزش آبان، و وقایعی که در پی این خیزش اتفاق افتاد مثل شلیک عامدانه به هواپیمای مسافربری و افتتاح و رسوایی انتخابات و دهه فجر و غیره. این مسائل توجه جهانیان را جلب کرد و جمهوری اسلامی را در دنیا بیش از پیش رسوا و بی آبرو کرد. این گزارش یک بار دیگر جمهوری اسلامی را در افکار عمومی جهان زیر ذره بین میبرد و جنایت هولناک سال گذشته را یادآوری میکند و از این نقطه نظر شرایط را برای اعتراضات و تعرض بیشتر مردم و جلب حمایت نهادها و نیروهای مترقی جهانی از این مبارزات فراهم میکند.

خلیل کیوان: شما در ابتدای صحبتهایتان به این هم اشاره کردید که عفو بین الملل نامه ای هم به اعضای شورای حقوق بشر سازمان ملل نوشته و خواهان رسیدگی به مساله نقض حقوق بشر در ایران شده است. در پی این امر ۲۲ سازمان حقوق بشری از

اسلامی ایستاد و آترا بچالش کشید. ما همیشه خطاب به دولتها و ارگانهای بین المللی همین را مطرح کرده ایم. منتهی امروز این را هم باید اضافه کرد که با توجه به فضای عمومی جامعه و اعتراضاتی که در جامعه جاری است، با توجه به اینکه بخصوص موقعیت رژیم در منطقه بسیار تضعیف شده و با یک بحران سیاسی - اقتصادی عمیقی روبرو هست، دولتها هم به این نتیجه میرسند که دیگر نمیتوانند روی آینده این رژیم حساب کنند، آترابی ثبات می بینند و بنابراین متمایل میشوند که در سیاستهای حمایت آمیز خود تجدید نظر کنند و زبان انتقادیشان را علیه حکومت جمهوری اسلامی تندتر کنند. همانطور که خود سازمان عفو بین الملل تندتر از همیشه به رژیم برخورد کرده، از دولتها و سازمانهای جهانی هم میشود انتظار داشت که برخورد قاطع تری داشته باشند. احزابی مثل حزب ما باید دولتها را در این جهت تحت فشارهای بیشتری قرار بدهند.

خلیل کیوان: ما در ایران با یک جنبش فراگیر سرنگونی طلبانه روبرو هستیم. خیزش آبان خود یک برآمد جنبش سرنگونی بود که قبل از آن هم در دی ۹۶ و سال ۸۸ و موارد متعدد دیگری شاهد اوجگیری آن بوده ایم. رابطه این گزارش و کلا اعتراض و نقد قضائی حقوقی حکومت با جنبش سرنگونی طلبانه مردم چیست؟

حمید تقوائی: همانطور که توضیح دادم این گزارش بر متن و فضای سرنگونی

وسرنگونی خواهی و مبارزه مردم ایران علیه کل حکومت مطرح میشود و بازتاب این امر را حتی در عنوان گزارش میتوان دید. اما در سطح پایه ای تری مساله اینست که کلا جمهوری اسلامی موقعیتش در سطح جهانی کاملاً زیر سؤال رفته است. جامعه از شلیک به مردم در تظاهرات آبان ماه ۹۸ و از کشتار سرنشینان هواپیما زخمی است، به خود می پیچد و هنوز شاکیان نه فقط در ایران بلکه در سطح بین المللی نیز دارند این مسائل را دنبال میکنند. این پرونده ها باز است. ازینرو میتوان گفت که جنبش سرنگونی کلا جمهوری اسلامی را در یک موقعیت بسیار ضعیفتری در خود ایران، در منطقه و در سطح جهانی قرار داده است.

حال بر این متن جنبش گسترده علیه اعدام شکل میگیرد که نقطه آغازش اعتراض به حکم اعدام معترضین آبان ۹۸ و دیماه ۹۶ است. حرکت اعتراضی که با خواست لغو حکم اعدام از جانب میلیونها نفر در ایران و جهان همراه شد و به یک رفراندوم میلیونی علیه اعدام تبدیل شد. اعتراض به حکم اعدام جوانان معترض نیز حلقه رابطی هست بین اعتراضات و جنبشهای همین امروز با تحولات سال گذشته. اینها همه نشان میدهد که آن حرکت و فضای اعتراضی که با خیزش آبان ماه شروع شد در اشکال و ابعاد دیگری ادامه دارد.

یک نمونه دیگر اعتصاب وسیع کارگران است. اعتصاب کارگران هفت تپه نزدیک به سه ماه است ادامه دارد و اکنون بیش از یکماه است که

در ۵۰ مرکز تولیدی و عمدتاً در صنعت نفت اعتصابات و اعتراضات گسترش یافته است. این هم تحول مهمی است که بدنبال فضای خیزش آبان شکل گرفته است. در واقع با خیزش آبان جامعه وارد فاز دیگری شد که امروز تأثیراتش را می بینیم. علاوه بر برآمد جنبش کارگری، جنبش در دفاع از حقوق زنان در رابطه با مساله تجاوز که یک مساله حاد در جامعه ایران است، و حرکت جهانی که علیه حکم اعدام نوید افکاری شکل گرفته است، همه در واقع عرصه هائی از حرکت اعتراضی مردم علیه جمهوری اسلامی است. در این شرایط است که مساله نقض حقوق بشر نیز در ابعاد مختلف یک جنبش وسیع سرنگونی طلبانه در ایران بحساب آورد که مسائل و معضلات و مصائب بخشهای مختلف جامعه را برجسته میکند و هدف قرار میدهد و به این ترتیب حرکت وسیعی را علیه کل حکومت شکل میدهد. در این میان گزارش عفو بین الملل میتواند افکار عمومی دنیا را به اعتراضات مردم ایران جلب کند، ابعاد حمایت جهانی از این مبارزات و خواستههای برحق مردم ایران را گسترش بدهد و بتواند فاکتور مهمی باشد در تقویت مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی.

خلیل کیوان: سئوالی در مورد تأثیرات این گزارش بر اوضاع سیاسی ایران داشتیم که بنوعی پاسخ دادید. اجازه بدهید سئوال را اینطور مطرح کنم که آیا میشود گفت که انتشار این گزارش نقطه ادامه در صفحه ۱۰

آزادی برابری حکومت کارگری

از صفحه ۹

حکومت "ویرانگر انسانیت" باید...

عطفی در وضعیت سیاسی ایران است؟

حمید تقوائی: نقش و تاثیر این گزارش در شرایط سیاسی ایران و در موقعیت جمهوری اسلامی در سطح جهانی را توضیح دادم. این تاثیرات مهم است اما خود ناشی از نقطه عطف خیزش آبان ۹۸ و قبل از آن خیزش ۹۶ در شرایط سیاسی ایران است.

در ۹۶ جامعه اعلام کرد که ماجرا تمام است و کل حکومت با جناحهایش باید برود و در ۹۸ مردم با شعار جمهوری اسلامی نابود باید گردد بمیدان آمدند و تاکتیکهای حکومت مثل قضیه عزاداری برای سلیمانی و شلیک به هوایما و مضحکه انتخابات و دهه فجر و غیره را بر سر خود حکومت خراب کردند و تشت رسوائی حکومت را از بام جهان بزیر انداختند. به یمن مبارزات مردم جمهوری اسلامی در سطح جهانی کاملاً رسوا و بی آبرو شد. صراحت و تندی

گزارش عفو بین الملل خود زائیده این شرایط است. امروز هر نیرو و دولتی که کمترین ادعائی در دفاع از حقوق بشر دارد نمیتواند چشمهایش را ببندد و علیه جنایات جمهوری اسلامی موضع نگیرد و اقدامی نکند.

خلیل کیوان: با توجه به انتشار این گزارش و مسائلی که در آن مطرح شده نیروهای اپوزیسیون چه وظایفی دارند؟ مشخصاً حزب کمونیست کارگری چه اقدامات ویژه ای را در دستور کار خودش قرار میدهد؟

حمید تقوائی: حزب ما همیشه برای احقاق حقوق مردم و علیه تبعیض در هر عرصه ای فعال بوده است. در برابر هر نوع تبعیض و بی حقوقی ایستاده است و علیه اش کارزار سازمان داده و مبارزه کرده است. اعم از تبعیض جنسیتی و مذهبی و قومی و اقتصادی و طبقاتی و غیره. روش و سیاست ما در عین حال همیشه این بوده است که ربط این مسائل به

چالش کل حکومت و سرنگونی جمهوری اسلامی را نشان بدهیم و برجسته کنیم. حزب اینها را بعنوان عرصه های مختلفی از مبارزه برای بزیر کشیدن کل حکومت اسلامی و در هم کوبیدن کل نظام جمهوری اسلامی می داند و تلاش میکند آنها را تعمیق و متحد و تقویت کند. یکی از نکاتی که بخصوص امروز برجسته میشود و همیشه خواست و سیاست حزب ما بوده، و به نظر من باید خواست و سیاست هر سازمان اپوزیسیون رادیکالی باشد، اینست که جمهوری اسلامی باید از جانب حکومتها و نهادها و سازمانهای بین المللی به جرم جنایت علیه بشریت محکوم بشود و در سطح جهانی منزوی شود. ما همیشه تاکید کرده ایم که جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست، قاتل مردم ایران است. این را باید برجسته کرد و در برابر چشم جهانیان قرار داد. با واقعیت با فاکت و با آمار و ارقام آنطور که گزارش عفو بین الملل بخشی از آن را افشا کرده. این حقایق را باید روی میز سازمانهای جهانی و دولتها

قرار داد و آنها را تحت فشار قرار داد که نه تنها جمهوری اسلامی را بعنوان نماینده مردم ایران برسمیت نشناسند، بلکه آنرا بعنوان قاتل مردم ایران محکوم کنند. باید از دولتها خواست و آنانرا تحت فشار قرار داد که جمهوری اسلامی را طرد و منزوی کنند، که سفارتخانه هایش را ببندند و روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را با حکومت قاتل مردم ایران قطع کنند. دقیقاً همان کاری که جهان متمدن با دولت آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی کرد امروز میشود در قبال رژیم آپارتاید جنسی در ایران انجام داد. این با توجه به شرایط و فضای سیاسی در ایران و در سطح جهانی کاملاً ممکن است.

این سیاستی است که ما دنبال میکنیم. امروز مبارزه گسترده ای برای لغو حکم اعدام، مبارزه برای آزادی همه معترضین دستگیر شده و همه زندانیان سیاسی، تعقیب مسئولین شلیک به هوایما، جنبش دادخواهی، اعتصابات گسترده و سراسری کارگران، جنبش علیه تعرض و تجاوز جنسی و غیره در جریان

است. در دل و متکی بر این شرایط مبارزه برای بایکوت و انزوای جهانی جمهوری اسلامی نیز میتواند با قدرت بیشتری به پیش برود. مردم و فعالین عرصه های مبارزاتی در ایران باید با صدای بلند خواستار انزوای جهانی جمهوری اسلامی بشوند. بخصوص احزاب و نیروهای اپوزیسیون سرنگونی طلب، نیروهای که میخواهند بقدرت مردم جمهوری اسلامی بزیر کشیده بشود، باید بر این خواست پافشاری کنند. این امر را میتوان متحقق کرد، میشود جمهوری اسلامی را مثل دولت نژادی آفریقای جنوبی محکوم و طرد و منزوی کرد مشروط بر آنکه همه نیروهای مخالف رژیم، مثل نیروهای کنگره ملی آفریقا، برای این امر پیگیرانه مبارزه کنند. ناگفته پیداست که با طرد سیاسی جمهوری اسلامی از جانب دولتها جنبش سرنگونی بسیار تقویت خواهد شد و خواهد توانست با قدرت به پیش برود و حکومت را بزیر بکشد.*

از صفحه ۴

در مورد احکام اعدام و زندان علیه...

المپیک جمهوری اسلامی را از المپیک و ورزش بین المللی بیرون بیندازد.

ما هم به عنوان کمیته بین المللی علیه اعدام اقدامات متعددی را در پیش گرفته ایم، ملاقات با مقامات دولتها، ارسال نامه به این مقامات، تماس و ملاقات با مسئولین سازمان عفو بین الملل و ترتیب دادن مصاحبه با رسانه های بین المللی و ... من هفته گذشته بطور مثال در برلین با نشریه دی ولت

مصاحبه ای را با کمک خانم شعله پاکروان مادر زنده یاد ریحانه جباری پیش بردیم که در مورد نوید افکاری بود و با توجه به تماسهایی که با افراد مطلع در ایران داشتیم به سوالات خبرنگاران پاسخ دادیم. من همچنین در میتینگی در برلین که به فراخوان ۱۲ سازمان ایرانی مخالف اعدام بود شرکت کردم و چند شبکه خبری در این میتینگ مرا همراهی کردند و از این اقدامات فیلم و عکس

تهیه کردند.

انترناسیونال: کلا فکر

میکنید برای نجات جان برداران افکاری مردم و خانواده اشان چه میتوانند بکنند؟ پیامتان به مردم در این رابطه چیست؟

مینا احدی: باید این اعتراضات را ادامه داد و گسترده تر کرد. ما باید دولتها را تحت فشار بگذاریم تا حکومت اسلامی را زیر فشار بگذارند. تا کنون البته به دلیل پخش وسیع خبر و توجه افکار عمومی دولتها مجبور شده اند کمی عکس العمل نشان دهند. این هنوز کم

است. باید در سراسر جهان تظاهراتهای بیشتری سازمان داد و باید گوی حکومت اسلامی را گرفت و فشار داد. پیام من به مردم ایران اینست که نجات جان نوید، یعنی بی اثر کردن طناب دار و خم کردن و ضعیف کردن یک ستون محکم حکومت اسلامی است. اعدام برای ترساندن مردم است و در این مورد حکومت میخواهد

جوانان معترض و فعال را بترساند. باید نشان دهیم این تشبثات دیگر بی فایده است و مردم و جوانان ایران جانشان به لب رسیده و خواهان سرنگون کردن این حکومت هستند. و پیام من اینست که در این مبارزه مهم برای نجات نوید بیش از پیش خود را سهیم و شریک کنید و دست به دست هم دهیم و جان نوید افکاری را نجات دهیم.*

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

از صفحه ۵

اعتصاب نفت: دستاوردها و...

چنین تلاشهایی نمیتواند کارگری را که چنین به عصیان برخاسته است، به موقعیت سابق بازگرداند. نمیتوان این اعتراضات را در چهارچوب نظام موجود و قانون کار ضد ارتجاعی جمهوری اسلامی خفه کرد. تا همین جا اعتصاب نفت پیشرویهایی بزرگی داشته است و این پیشروی ها سکوی پرشی برای به میدان آمدن سراسری کارگران نفت در تمام بخش هاست.

تقویت دامنه اعتصابات با تجمعات، رسانه ای کردن هر چه بیشتر خبرهای این اعتراضات، تشکیل گروههای ویژه اعتصاب در مدیای اجتماعی بعنوان بستری برای تصمیم گیری شورایی و دخالت حداکثری بدنه کارگران در روند مبارزه همه و همه گامهای عملی ای برای خنثی کردن چنین تقلاهایی و پیشروی بیشتر این اعتصابات است.

اعتصاب سراسری کارگران نفت، در ادامه اعتصاب قدرتمند نیشکر هفت تپه گفتمان اعتصاب سراسری را به گفتمان کل جامعه تبدیل کرده است. این چنین است که با خیزشهای کارگری و گفتمان های کارگری کل جامعه به سوی خیزش مردمی و انقلابی برای رهایی از جهنم موجود گام برمیدارد. هیچ نیرویی جلودار این حرکت نخواهد بود.

کارگران نفت با خواست

افزایش دستمزد

بیش از ۴۰ روز است که اعتصاب کارگران نفت و پتروشیمی و نیروگاههای برق در جریان است. در برابر این اعتراضات در بسیاری از مراکز نفتی پیمانکاران و صاحبان

جلو آمدن بحث افزایش دستمزدها در چنین سطحی در نفت و مراکز وابسته به آن، جایگاه اجتماعی اعتصاب نفت را یکبار دیگر در سطح جامعه مطرح میکنند و در عین حال تکان جدی ای به جنبش افزایش دستمزد خواهد داد. دلیلش نیز به روشنی اینست که اعتراض به زندگی زیر خط فقر و خواست افزایش دستمزدها یک خواست مهم اجتماعی و فراگیر است.

مدیریت گروه تلگرامی موسوم به "پاپینگ و اکیپ پروژه ای" در بیانیه ای تحت عنوان کمپین پنجم تحت عنوان "طرح برجام پاپینگ" برای رده های مختلف کارگران پروژه ای پالایشگاه و پتروشیمی، سقف حداقل دستمزدهایی بین ۵ تا ۱۵ میلیون تومان تحت عنوان آخرین درخواست خود و شرط بازگشت به کار کارگران اعتصابی اعلام کرده اند. البته همانجا موضوع توافق دو طرف بر سر حد وسط نرخ مزدی بین نرخهای اعلام شده کارگران و پیمانکار را ملحوظ کرده اند. ضمن اینکه به محاسبه جداگانه یکسری مزایای شغلی کارگر و ارتقای کیفیت غذا و بهبود وضع سرویس ها و غیره نیز اشاره شده است. اما در این کمپین کارگران ساده پروژه ای که حداقل سه بار زیر خط فقر مزد میگیرند و برای تامین زندگی شان بعضا ناگزیر به ۱۲۰ ساعت اضافه کاری در ماه هستند، جایی ندارند. اینها کارگرانی هستند که بخش وسیعی از کارگران شاغل در نفت را تشکیل میدهند و میتوانند نقش مهمی در جوارو کردن بساط کار برده وار پیمانی و قوانین ویژه مناطق اقتصادی که دامنگیر ۶۵ منطقه در سراسر ایران است، داشته باشند. یک گام مهم

جلو آمدن فعال تر این بخش از کارگران طرح افزایش دستمزد به شکلی است که آنها را از دستمزدهای زیر خط فقر رها کند. همانطور که معلمان، بازنشستگان و بسیاری از حقوق بگیران جامعه اعتراض خود را به دستمزدهای زیر خط فقر اعلام کرده و در مبارزاتشان بر خواست افزایش سطح دستمزدها به خط فقر ۱۰ میلیونی تاکید کرده اند، آنها نیز با همین خواست باید به جلو بیایند. این بهترین فرصت برای این کارگران است.

اعتصاب کارگران پیمانی نفت از خشم انباشته این کارگران در بیش از ۴۰ سال شرایط برده وار کار در این صنعت برخاسته است. گروه مدیریت پاپینگ میکوشد این عصیان کارگری را در میان راه مهار بزند و با "طرح برجام پاپینگ" در واقع شرایط پایان اعتصاب را اعلام کرده است. اما واقعیت اینست که این اعتصاب، مبارزت کارگران نفت و بطور واقعی کل جنبش کارگری را وارد مرحله دیگری کرده است. اکنون سر قفرقه باز شده است و با هیچگونه تمهیداتی نمیتوان کارگر نفت را به نقطه قبل از شروع این اعتصاب برگرداند. همانطور که جلوتر اشاره کردم اعتصاب کارگران نفت تا همین جا پیشروی بزرگی بوده و اینکه کارگران توانسته اند در همین مدت کوتاه اعتصابی در چنین ابعاد گسترده ای را به جلو برند و با قدرت اعتراضاتشان تا چنین سطحی پیمانکاران را به عقب نشینی و دارند و از جمله مبالغی بر سطح دستمزدهایشان اضافه شود و برخی مطالبات به جلو کشیده شود یک پیروزی بزرگ است. بویژه کارگری که قدرت اعتصاب خود را می بیند حتی اگر وقفه ای در اعتصابش

صورت گیرد، دوباره با قدرت بیشتری برای دیگر مطالباتش به میدان خواهد آمد.

علاوه بر گسترش دامنه خواست افزایش دستمزد در میان همه بخش های کارگران نفت و گسترش دامنه اعتصاب، همین امروز کارگران نفت دارند از ادامه اعتراضاتشان تا حذف پیمانکاران این دلان مفتخور کاری در محیط های کار و لغو قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی سخن میگویند.

خواستهایی چون لغو قراردادهای موقت در کارهایی که خصلت دائمی دارند، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، پرداخت بموقع دستمزدها و تسویه حساب بابت دستمزدهای پرداخت نشده، اجرایی کردن پروتکل های بهداشتی برای حفظ جان کارگران در برابر بیماری مهلک کرونا، بالابردن استاندارد خوابگاهها و حمامها، غذا خوری ها و برخورداری از درمان رایگان برای همه کارگران همه و همه خواستهای همین امروز کارگران نفت است. از سوی دیگر واگذاری برخی از مراکز نفتی به بخش خصوصی و به خطر افتادن امنیت شغلی کارگران و تعرضاتی که از سوی کارفرمایان به زندگی و معیشت آنان میشود در این مدت از دیگر موضوعات اعتراضی کارگران بوده است و این خود عامل دیگری برای گسترش اعتراضات کارگران نفت در تمام بخش های آن خواهد بود. این چنین است که صنعت نفت و مراکز وابسته به آن آینه ای دیگر از فضای پراشتهای اعتراض و مبارزه علیه بساط چپاول و دزدی حاکم و فقر و تبعیض و نابرابری است.*

از صفحه ۶

آموزش و پرورش شاد و انسانی حق...

ویروس از مدرسه به خانواده را سرعت بیشتری می‌بخشد. در حقیقت بازگشایی مدارس ادامه اصرار حکومت در برگزاری کنکور، مراسم‌های عزاداری و بازگشایی امکان مذهبی تا بازگشایی مدارس است.

اما نه فقط ویروس کرونا که کل آموزش کالایی و طبقه‌بندی شده تسمه از گرده خانواده‌ها کشیده است. شهریه سنگین ثبت نام کمر خانواده را خم کرده است. هزینه تهیه کیف و کتاب و لوازم التحریر چنان سرسام‌آور گران است که از پس تهیه آن بر نمی‌آیند. فرزندانشان باید به مدرسه و کلاسی بروند که کمینگاه ویروس کرونا است. می‌دانند که مدارس بشدت ناامن و غیر قابل کنترل هستند. کشتار جمعی ویروس کرونا و بی‌پناهی جامعه را طی این هفت ماه شاهد بوده‌اند. مدارس را خود خانواده‌ها تعطیل کردند تا جان فرزندانشان را نجات

تجارتخانه‌ای ورشکسته بدل شده است که چوب حراج بر آموزش می‌زند.

جمهوری اسلامی مسئول مستقیم وضعیت موجود و ویرانه‌ای به نام آموزش و پرورش است. خواست و مطالبات مردم روشن است. سالها برای آن جنگیده‌اند و هزینه داده‌اند. ده‌ها آموزگار برای تحقق این خواست‌ها دستگیر شده و در حبس‌اند و جانشان در خطر است. مردم حق دارند و باید خواست‌هایشان هر چه زودتر متحقق شود. خواست‌های زیر چکیده و فشرده مطالبات فوری و اضطراری مردم است:

آموزش و پرورش شاد و انسانی حق همه کودکان است!

۱- همه توصیه‌ها و دستورات پزشکی مربوط به کرونا باید در مدارس کاملاً اجرا شود. همه اقلام و وسایل پیشگیری از قبیل ماسک، دستکش، ژل ضدعفونی باید مجانی در اختیار دانش‌آموزان و معلمان قرار گیرد. آموزش و پرورش مکلف به تأمین امکانات پیشگیری در مدارس و سرویس‌های ایاب و ذهاب دانش‌آموزان است.

۲- تحصیل رایگان در تمام سطوح آموزشی و اجباری بودن آن تا پایان تحصیلات دوره دبیرستان.

۳- ممنوعیت هر نوع شهریه و اخاذی از خانواده‌ها به بهانه‌ها و مناسبت‌های مختلف.

۴- کتب درسی و لوازم التحریر باید کاملاً رایگان باشد.

۵- رفع تبعیض در دسترسی به آموزش، مقابله با خصوصی کردن مدارس و درجه بندی و طبقاتی کردن آموزش و پرورش. طبقاتی کردن آموزش از طریق مدارس خصوصی باید کنار گذاشته شود.

۶- یک وعده غذای گرم، باکیفیت و رایگان برای محصلان در سراسر کشور، کمک هزینه به خانواده‌هایی که امکان فرستادن کودکان خود به مدارس را ندارند به منظور اینکه کودکانشان را به مدرسه بفرستند.

۷- ایاب و ذهاب مدارس جزئی از وظایف مدرسه است و باید کاملاً در دسترس، ایمن و رایگان باشد.

۸- ایمنی و مقاوم سازی مدارس، کلاسهای درس و

سیستم گرمایشی و سرمایشی.

۹- در تمام محلات باید به اندازه کافی مدرسه باشد و تعداد دانش‌آموزان کلاس از ۲۲ نفر بیشتر نشود.

همه مدارس باید از استاندارد و کیفیت آموزشی مناسب، کتابخانه، وسایل و امکانات ورزشی، آزمایشگاه، سالن کارهای دستی و غیره برخوردار باشند.

۱۰- حق شهروندی برابر و دسترسی یکسان به آموزش برای کلیه واجدین تحصیل افغانی و عراقی و سایر مهاجرین.

۱۱- آزادی معلمان زندانی و تبعیدی.

۱۲- کتب درسی باید غیر مذهبی شود. مسجد سازی در مدارس و فرستادن طلبه به مدارس باید ممنوع شود.

۱۳- دست آخوند و مذهب از مدارس کوتاه. جدایی مذهب از آموزش و پرورش.

۱۴- به جداسازی جنسیتی در مدارس باید پایان داده شود. حجاب کودک باید ممنوع شود.*

دادن شرکت به اهداف خارج از اهداف تعیین شده از جمله تخلفاتی است که برای اسدبیک برشمرده شده است.

روشن است که زیر فشار قرار گرفتن اسدبیک و بحث خلع ید از او و افشای اقدامات باند مافیائیش، موفقیت بزرگی برای کارگران نیشکر هفت تپه است. کارگران اعتصابی شرکت نیشکر هفته تپه در عین حال اعلام کرده اند که هیچ شکلی از خصوصی سازی و دست بدست کردن شرکت

ادامه در صفحه ۱۳

به دلیل تخلفات صورت گرفته در واگذاری هفت تپه و اداره آن خبر داد. او در گفتگویی در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ضمن دادن این خبر سازمان خصوصی سازی را مکلف به اجرای این حکم دانست و گفت: "اگر به تعهدات عمل نشود، سازمان خصوصی سازی به عنوان متولی امر باید واگذاری را فسخ کرده و بنگاه را به دولت برگرداند". عدم رفع تعهدات ارزی، عدم بازپرداخت بدهی سازمان گسترش و نوسازی، عدم پایبندی به قرارداد، پایین آمدن سطح تولید و سوق

است. کارگران اما حرف خود را با صدای رسا اعلام کرده اند و گفته اند امید آنها به چنین جلساتی نیست بلکه با قدرت اتحاد و اعتصابشان پیگیر خواستهایشان هستند. کارگران بارها با امضای طومار و در سخنرانی‌هایشان اعلام کرده اند که شورای اسلامی بهیچ وجه نماینده کارگران نیست بلکه یک ارگان حکومتی علیه کارگران است. روز ۱۸ شهریور سعید بیت عفری معاون فنی و حسابرسی دیوان محاسبات از صدور رای خلع ید از اسدبیک در دیوان عدالت اداری

هفت تپه: شماره ۸۱ اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه ادامه دارد

دوم جلسه برگزار نشد و انجام آن به روز های آتی موکول شد. کعب عمیر نماینده مجلس اسلامی، شورای اسلامی را به این جلسه فراخوانده است. اما نمایندگان کارگران را به این جلسه دعوت نکرده اند. بدین ترتیب مجلس اسلامی در تدارک توطئه ای با برگزاری جلسه در پشت درهای بسته و بدون حضور نمایندگان کارگران

اعتصاب متحدانه کارگران نیشکر هفت تپه با تجمع اعتراضی مقابل شرکت ادامه دارد. این درحالیست که کارگران غیر نیشکری به اعتصاب و تجمع هر روزه خود در مقابل فرمانداری ادامه می‌دهند. روز گذشته ۱۹ شهریور قرار بود که وضعیت مالکیت این شرکت در مجلس اسلامی مورد بررسی قرار گیرد، اما این بار نیز برای بار

سرکوب خیزش آبان ۹۸ جنایت علیه بشریت است جهان در محکوم کردن جمهوری اسلامی تعجیل کند!

گزارش مشروح، مستند و تکان دهنده اخیر سازمان عفو بین الملل با عنوان "ویرانگران انسانیت: بازداشت های گسترده، ناپدیدسازی و شکنجه در پی اعتراضات آبان ۹۸" گوشه های دیگری از جنایات مدهش جمهوری اسلامی علیه قیام آبان ۹۸ را در معرض دید جهانیان قرار داد.

سرکوب خیزش آبان توسط جمهوری اسلامی مصداق جنایت آشکار علیه بشریت است. رژیم اسلامی برای چند روز اینترنت و ارتباط با جهان خارج را قطع کرد و دست به کشتار جمعی و بلا تبعیض معترضین به فقر و فلاکت و سرکوب و بی حقوقی و هرآنکس که در

خیابان بود زد. کسی هنوز نمی داند دقیقاً چه تعداد کشته یا زخمی و ناقص شدند. آمار کشته شدگان از چند صد نفر تا ۱۵۰۰ نفر مطرح شده است. به مردم اجازه نداد حتی برای عزیزان جانباخته شان عزاداری کنند. زخمی ها مخفیانه و در خانه تحت مداوا قرار گرفتند و آنها که به بیمارستان رفتند به زندان و زیر شکنجه فرستاده شدند. اکنون گزارش مورخ ۲ سپتامبر ۲۰۲۰ عفو بین الملل در جزئیات و بطور مستند جلوه هایی از جنایات جمهوری اسلامی علیه بیش از ۷ هزار دستگیرشدگان آبانماه ۹۸ و خانواده های آنها را به جهان گزارش کرده است.



سرکوب خیزش آبان ۹۸ جنایت علیه بشریت است
جهان در محکوم کردن جمهوری اسلامی تعجیل کند



جمهوری اسلامی را بخاطر جنایت آبانماه محکوم کنند. جمهوری اسلامی باید همچون رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی منزوی و مطرود شود. جمهوری اسلامی قاتل مردم ایران است و هیچ دولتی نباید آنرا بعنوان دولت برسمیت بشناسد.*

حزب کمونیست

کارگری ایران

۱۵ شهریور ۱۳۹۹

۵ سپتامبر ۲۰۲۰

بین المللی نظیر شورای حقوق بشر سازمان ملل یا اتحادیه اروپا تا همه دولت ها و احزاب سیاسی باید جمهوری اسلامی را بخاطر جنایات آبان مورد مواخذه قرار دهند و محکوم کنند. حزب کمونیست کارگری تلاش های همیشگی خود در این راه را دو چندان خواهد کرد. ما بار دیگر مردم آزادیخواه جهان را فرامیخوانیم در کنار مردم ایران قرار گیرند و دولتهایشان را وادارند تا

جمهوری اسلامی در طی حیات نکبت بار خود بارها دست به جنایات و نسل کشی زده است. جنایت آبان ۹۸ یکی از موارد تکان دهنده اکنون با جزئیات و مستند در برابر همگان قرار دارد و دو ماه دیگر نیز سالگرد آن فرا میرسد. جهان در محکوم کردن و منزوی کردن قاتلان حاکم بر ایران باید تعجیل و جدیت بیشتری نشان دهد. از سازمانهای کارگری و مدافع حقوق زنان و دیگر سازمانهای حق طلب گرفته تا نهادهای



موج دوم اعتصاب نیشکر هفت تپه آغاز شد



کارگران این دستاوردها را ارج بگذاریم.

زنده باد کارگران نیشکر هفت تپه!

پیش بسوی

ایجاد شوراها

حزب کمونیست

کارگری ایران

۲۰ شهریور ۱۳۹۹

۱۰ سپتامبر ۲۰۲۰

بازگشت به کار فوری کارگران اخراجی در تمام بخش ها، بازگشت به کار اسماعیل بخشی و دیگر کارگران اخراجی خواستهای اصلی این کارگران است. اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه و مبارزانشان تا هم اکنون دستاوردهای بزرگی برای آنها و کل جنبش کارگری داشته است. با حمایت از این

کرد. اما بعد در بیانیه دومش با گفتن اینکه این کار یکسال طول میکشد، قبول کرد که این دیوان میتواند چنین کاری را انجام دهد. این چنین است که اسد بیگی تمام تلاش خود را میکند تا هر طور شده از این مخمصه خود و باند چپاولگرش را بیرون بکشد و وقت بخرد. اما کارگران امان نمیدهند و اعتصاب و فشارشان را ادامه میدهند.

کارگران نیشکر هفت تپه علاوه بر خلع ید از اسد بیگی، خواستار بازگرداندن ثروتهای به اختلاس رفته به شرکت و احیای نیشکر هفت تپه، پایان کار مدیران بازنشسته وابسته به اسد بیگی و بازداشت و محاکمه او و باند مافیایی اش هستند. پرداخت فوری تمام حقوقهای معوقه و تمدید دفترچه های بیمه کارگران،

از صفحه ۱۲

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه ...

دست دزدان را قبول نمیکنند. کارگران خواستار گسیل یکنفر از سوی دولت به این شرکت و اداره آن تحت نظارت و کنترل خود هستند. اسدبیگی و باند او که در پی خریدن فرصتی برای خود بودند، تلاش کردند با به راه انداختن بازدید میدانی از شرکت و صحنه گردانی حقایق را از چشم دور نگاه





اجرای اتحادیه جهانی بازیکنان گفت: "نوید به دلیل مشارکت و موفقیتش در ورزش دستچین شده و مورد شگنجه قرار گرفته و محکوم به اعدام شده است." او میگوید "عمل وحشتناک اعدام یک ورزشکار را فقط می توان به معنای پایمال کردن ارزشهای بشردوستانه دانست که پایه ورزش را تشکیل میدهند".

او می افزاید: "چنین اقدامی باید باعث سلب عضویت ایران در جامعه ورزشی جهان شود." او میگوید "کمیته بین المللی المپیک، به عنوان "مقام عالی ورزش جهانی، ملزم است از قدرت نفوذ خود استفاده کند برای اینکه از ایران بخواهد که به استانداردهای حقوق و ارزشهای انسانی پایبند شود. باید به دولت ایران گوشزد شود که در صورت عدم رعایت این موازین عضویت خود را در المپیک از دست خواهد داد" او اضافه میکند "اتحادیه

اتحادیه جهانی بازیکنان خواستار لغو حکم اعدام نوید افکاری شد!

اتحادیه جهانی بازیکنان با ۸۵۰۰۰ عضو و شعبه های متعدد در ۶۰ کشور جهان از مقامات قضایی جمهوری اسلامی خواست که حکم اعدام نوید افکاری را لغو کنند و به بدرفتاری با معترضین خاتمه دهند. این اتحادیه ورزشکاران همچنین از کمیته بین المللی المپیک IOC خواسته است که برای نجات نوید افکاری دست به اقدام بزند!

اتحادیه جهانی بازیکنان (WPA) از رئیس قوه قضائیه ایران درخواست کرده است در رابطه با نوید افکاری کشتی گیر قهرمان، که با خطر قریب الوقوع اعدام روبروست، دستور تعلیق اعدام را صادر کند. این سازمان معتقد است که "افکاری به ناحق مورد هدف جمهوری اسلامی قرار گرفته تا مردم را

مرعوب کند و از شرکت آنها در اعتراضات بازدارد".

اتحادیه جهانی بازیکنان خواستار لغو حکم اعدام افکاری توسط جمهوری اسلامی ایران، لغو اتهامات و تحقیق درباره بدرفتاری با این کشتی گیر در زمان بازداشت توسط پلیس و سیستم قضایی شده است.

این اتحادیه همچنین از کمیته بین المللی المپیک (IOC) خواسته است از اهرم فشار خود برای نفوذ بر جمهوری اسلامی استفاده کند. اتحادیه جهانی بازیکنان معتقد است که کمیته بین المللی المپیک موظف است از نوید افکاری دفاع کند.

نشست هیئت اجرایی کمیته بین المللی المپیک قرار بود روز چهارشنبه ۹ سپتامبر برگزار شود. "برندان شواب"، مدیر

زمان انتشار این نوشته به حدود ۲۰ هزار امضا رسیده است. کمیته بین المللی علیه اعدام از اقدام و ابتکار عمل اتحادیه جهانی بازیکنان قویا حمایت می کند و معتقد است که این همان رویکردی است که تمام مراجع بین المللی باید در قبال جمهوری اسلامی اتخاذ کنند. جمهوری اسلامی به دلیل اعدام های گسترده و جنایت علیه بشریت باید از جامعه جهانی طرد و منزوی شود.*

کمیته بین المللی علیه اعدام

۱۹ شهریور ۱۳۹۹

۹ سپتامبر ۲۰۲۰

کشتی جهانی و سایر فدراسیون های ورزشی، از جمله فیفا، نیز بر ایران نفوذ دارند و بنابراین ملزم به دفاع از نوید هستند." سخنگوی کمیته بین المللی المپیک در بیانیه ای در این رابطه اعلام کرده است که "کمیته بین المللی المپیک و اتحادیه جهانی کشتی به ترتیب با کمیته ملی المپیک ایران و فدراسیون کشتی ایران در تماس هستند و تمام تلاش خود را برای پیدا کردن راه حلی برای این موضوع بکار خواهند گرفت".

طومار دادخواست از کمیته بین المللی المپیک و سایر نهادها برای نجات جان نوید در

واقع در کیلومتر ۲۰ جاده مسجدسلیمان - شهر ویس در اعتراض به واگذاری این نیروگاه به بخش خصوصی دست به تجمع زدند. پشت این خصوصی سازی ها چپاول و دزدی ها قرار دارد که یکسر آن به خود حکومتیان وصل است. یک نمونه آشکار آن نیشکر هفت تپه است. در این نوع خصوصی سازی این کار و

بالای این میزان افزایش یابد. و این میتواند مبنایی برای کارگران غیر متخصص پیمانی در صنعت نفت نیز باشد که زیر فشار سنگین کاری قرار دارند و برای تامین زندگی شان بعضا ناگزیر به ۱۲۰ ساعت اضافه کاری در ماه در گرمای طاقت فرسا هستند. هم اکنون دهها مرکز نفتی از جمله پالایشگاه ها، پتروشیمی ها و نیروگاهها در اعتصابند. افزایش دستمزدها، پرداخت دستمزدهای معوقه، لغو قراردادهای موقت در کارهایی که خصلت دائمی دارند، خلع ید از پیمانکاران این دلان انگل کاری، ایمن شدن محیط کار، پایان دادن به امنیتی کردن محیط های کار و نیز بالا بردن استاندارد خوابگاهها و کمپها و درمانگاه ها از جمله خواسته های کارگران پیمانکار اعتصابی در نفت است. بنا به خبر دیگری روز جمعه ۱۴ شهریور کارگران نیروگاه رامین اهواز

سی و پنجمین روز اعتصاب کارگران صنایع نفت و پتروشیمی و نیروگاه های برق

روز ۱۴ شهریور اعتصاب سراسری کارگران نفت وارد سی و پنجمین روز خود شد. بنا بر خبرها پیمانکاران و صاحبان کار در بسیاری از مراکز زیر فشار اعتراض کارگران اعتصابی ناگزیر به عقب نشینی شده و سطح دستمزدها را افزایش داده اند و حتی در جاهایی از ترس پیوستن دیگر بخش های کارگران نفت به اعتصاب، حقوق کارگرانی که در اعتصاب نیستند نیز افزایش یافته است. این عقب نشینی ها نشانگر قدرت اعتصاب کارگران است و راه را برای دیگر کارگران باز کرده است که به اعتصاب بپیوندند. کارگران پیمانکار متخصص نفت در اعتراضاتشان خواستار افزایش حقوقها به ۱۲ میلیون

تومان شده اند. عقب نشینی برخی از پیمانکاران در برابر خواست افزایش دستمزد کارگران اعتصابی در عین حال جنبش برای خواست افزایش دستمزدها را گام مهمی به جلو برده و فرصتی است که در همه بخش های کارگری، کارگران با وارد شدن به اعتصاب خواستار افزایش حقوق ها به بالای خط فقر شوند. بویژه خواست افزایش دستمزد امروز یک خواست اجتماعی است و بخشهای مختلف کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران و بخش وسیعی از حقوق بگیران از آن دفاع میکنند. اگر خط فقر ده میلیون است این کاملاً بدیهی است که حقوق همه مزدبگیران جامعه باید به

روز ۱۴ شهریور اعتصاب سراسری کارگران نفت وارد سی و پنجمین روز خود شد. بنا بر خبرها پیمانکاران و صاحبان کار در بسیاری از مراکز زیر فشار اعتراض کارگران اعتصابی ناگزیر به عقب نشینی شده و سطح دستمزدها را افزایش داده اند و حتی در جاهایی از ترس پیوستن دیگر بخش های کارگران نفت به اعتصاب، حقوق کارگرانی که در اعتصاب نیستند نیز افزایش یافته است. این عقب نشینی ها نشانگر قدرت اعتصاب کارگران است و راه را برای دیگر کارگران باز کرده است که به اعتصاب بپیوندند. کارگران پیمانکار متخصص نفت در اعتراضاتشان خواستار افزایش حقوقها به ۱۲ میلیون

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: مراد شیخی

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه منتشر میشود

www.anternasional.com

